

میزان

نشریه علمی تخصصی انجمن علمی دانشجویی
فقه و مبانی حقوق اسلامی پاییز ۹۵
شماره ۶ - قیمت ۵۰۰ تومان

ماهیت حقوقی تهاجر

نقشه زن

قربان ناشی از سرپرستی اطفال بی سرپرست و بد سرپرست



مفهوم و ماهیت حضانت



صاحب امتیاز: انجمن علمی فقه و مبانی حقوق
زیر نظر: امور فرهنگی دانشگاه الزهراء(س)
مشاور علمی: دکتر فریبا حاجیعلی
مدیر مسئول: فریناز سادات خطیبی
سردبیر: زینب خسروی فر
هیئت تحریریه: فریناز سادات خطیبی، زینب خسروی فر، مریم خدایی و فاطمه اسدی
کارشناس نشریات: سرکار خانم وزیری
طراح و صفحه آرا: غلام رضا قدرتی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه الزهراء(س)
آدرس: ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهراء(س)-ساختمان خوارزمی تلفکس: ۸۸۶۱۷۵۳۶

فهرست مطالب

۵	سخن سر دبیر
۶	قرابت ناشی از سرپرستی اطفال بی سرپرست و بد سرپرست
۹	نفقه زن
۱۱	ماهیت حقوقی تهاتر
۱۳	مفهوم و ماهیت حضانت
۱۵	اشتغال زنان در ایران

سخن سر دیر

دنیای امروز ما همان اولویت های دیروز هستند!

دوستی می‌گفت: «دندانم درد می‌کند و نیاز به درمان دارد. امروز صبح که از خواب بلند شدم، به خودم گفتم باید حتما نزد دندان‌پزشک بروم. اما وقتی کمی به اتفاقات دیروز فکر کردم، دیدم اولویت کارم این است که نامه دندان‌شکنی برای دوستی که در مراسم مهمانی دیروز مرا جلوی بقیه مسخره کرد، بنویسم. الان ساعت هفت شب است و من بالاخره توانستم یک نامه چند خطی احترام‌آمیز بنویسم و به او در مورد رفتار نامناسبش تذکر دهم. اما در مقابل، هیچ کاری برای دندانم انجام ندادم و در نتیجه باید دوباره تا فردا صبح درد آن را تحمل کنم!»

به او گفتم: «دلیلش همانی است که ناخودآگاه گفتم! تو کاری را که لازم بود حتما امروز انجام شود، در اولویت‌های بعدی برنامه روزانه‌ات قرار دادی و این یعنی درجه اهمیت و میزان جدی بودن آن را دست‌کم گرفتی. قبول کن که امروز برای تو، نوشتن نامه‌ای خطاب به دوستت، مهم‌تر از دندان‌دردت بود! ممکن است بگویی نه! اما در عمل اولویتت را تعیین کردی.»

و این داستان اولویت‌هایی است که هر روز و هر لحظه آن‌ها را برمی‌گزینیم؛ مثلا اگر مدرک دانشگاهی داری، اما مهارت و شغلی پولساز در بازار نداری، دلیلش فقط این است که درس خواندن و دانشگاه‌رفتن برایت مهم‌تر از کار در بازار بوده است! یعنی تو به همان چیزی پرداختی و به همان چیزی رسیدی که دیروز و روزهای قبل از آن، در رأس برنامه کاری روزانه‌ات قرار داده بودی. پس اگر امروز به همان اولویت‌های دیروزت رسیدی، باید هم به‌خاطر زندگی اکنونت از کائنات شکایت کنی.

وقتی یک زوج جوان در همان ده سال اول زندگی صاحب ماشین و منزل و پس‌انداز می‌شوند، اما زوج دیگر بعد از سی سال زندگی مشترک هنوز اجاره نشینند و نیازمند پولی برای رساندن خود به سربرج! به این معنی است که زوج اول نظم، انضباط، کار و تلاش جدی را اولویت خود قرار دادند، درحالی‌که زوج دوم خوشگذرانی، مهمانی‌رفتن، ولخرجی و... اولویت زندگی می‌دانستند؛ بنابراین مسلما زوج اول به چیزهای ارزشمندی دست می‌یابند که زوج دوم پس از سال‌ها زندگی مشترک به آن دست نمی‌یابند. کسی که ادعا می‌کند شبانه‌روز درس می‌خواند تا در کنکور سراسری پذیرفته شود، اما حاضر نیست از ساعات استراحت و تفریحش دست بردارد، باید بداند که ممکن است در آزمون سال بعد نمره موردنظرش را به یک دلیل خیلی ساده که همان اولویت نداشتن درس خواندن است، به‌دست نیاورد!

وقتی کسی کاری را در اولویت برنامه‌های خود قرار می‌دهد، یعنی حاضر است اولویت‌ها و انتخاب‌های بعدی را کنار بگذارد و هرطور شده کارش را به اتمام برساند.

در ابتدای فهرست کاری، قراردادن یک فعالیت به معنای مصمم‌بودن برای قربانی کردن همه کارهایی است که بعد آن فعالیت قرار گرفته‌اند. اگر قرار است امروز تکلیف‌دندانی را که درد می‌کند، معلوم کنید، باید کارهای دیگر را، هرچند به‌نظرتان مهم باشند، در اولویت بعدی قرار بدهید.

اینکه صبح از خواب بیدار شویم و در ذهن خود یک فهرست طولانی از کارهایی را که باید انجام شوند، لیست کنیم و بدون اولویت‌دهی به آن‌ها، بخواهیم انجامشان بدهیم، ممکن است بعضی از کارهای مهم و اساسی را نادیده بگیریم و درنهایت با گذشت روزها کوهی عظیم مقابلمان سبز شود که وادارمان کند تغییرات ناخواسته و ناخوشایندی را بپذیریم که هرگز در اولویتمان نبوده‌اند.

افرادی که در سنین پیری هنوز در خانه استیجاری زندگی می‌کنند، رابطه سالم و مناسبی با همسر و فرزندان خود ندارند، سلامت جسمی‌شان را از دست داده‌اند و از لحاظ آرامش ذهنی در آشفتگی به سر می‌برند، از جمله اشخاصی هستند که قربانی تغییراتی شده‌اند که به‌خاطر بی‌توجهی به اولویت‌های اساسی در زندگی، این تغییرات، ناخواسته به آن‌ها تحمیل شده است.

خلاصه اینکه اگر از زندگی امروزتان راضی نیستید و چیزهای بهتری را از این به بعد آرزو دارید، مطمئن باشید این اتفاق امکان‌پذیر و شدنی است، فقط به‌شرطی که بهتر و عالی‌تر شدن را از همین امروز در برنامه کاری روزانه‌تان قرار بدهید و با اراده و جدیت اولویت‌هایتان را دنبال کنید. این راه و منش همه انسان‌های موفق دنیاست. آن‌ها در زندگی چیزی جز اولویت‌هایشان را نمی‌بینند.



قرابت ناشی از سرپرستی اطفال بی سرپرست و بد سرپرست

شرایط مربوط به سرپرستان :

شرایط مقرر در قانون جدید : برابر مواد ۵،۴،۳ و ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست مصوب ۱۳۹۲ ، افراد با شرایط زیر می توانند سرپرستی کودکان و نوجوانان را از سازمان بهزیستی کشور درخواست کنند .

۱- تابعیت ایران: در حالی که در قانون پیشین اتباع خارجی هم میتوانستند به شرط مقیم بودن در ایران درخواست سرپرستی کنند ، در قانون جدید، این حق به اتباع ایران اختصاص یافته است ، اعم از اینکه مقیم ایران یا خارج باشند (ماده ۳) البته ایرانیان مقیم خارج از کشور میتوانند تقاضای سرپرستی خود را از طریق سفارتخانه یا دفتر حفاظت از

منافع جمهوری اسلامی ایران ، به سازمان بهزیستی تقدیم نمایند و سازمان موظف است با حکم دادگاه به درخواست ترتیب اثر دهد (ماده ۴)

۲- سن بیش از ۳۰ سال: کسانی که تقاضای سرپرستی کودک یا نوجوان را دارند ، باید دست کم، سی سال یا بیشتر از آن داشته باشند . در مورد زن و شوهری که درخواست سرپرستی میکنند ، کافی است که یکی از آنان بیش از سی سال داشته باشد (ماده ۵)

۳- تقاضای مشترک زن و شوهر یا درخواست زن یا دختر بی شوهر در سرپرستی اناث : برابر ماده ۵ قانون ۱۳۹۲ زن و شوهری که پنج سال از ازدواج آنان گذشته و صاحب فرزند

نشده باشند ، مشروط بر اینکه یکی از آنان بیش تر از سی سال داشته باشد ، میتوانند درخواست سرپرستی کنند چنان چه به تشخیص سازمان پزشکی قانونی امکان بچه دار شدن زوجین وجود نداشته باشد ، درخواست کنندگان از شرط مدت پنج سال مقرر در بند الف ماده ۵ معاف خواهند بود .

۴- تقید به انجام واجبات و ترک محرمات : البته اقلیت های دینی و مذهبی باید بر طبق دین یا مذهب خود این تقید را داشته باشند . به نظر میرسد که تشخیص تقید به انجام واجبات و ترک محرمات که جنبه مذهبی دارد دشوار است و باید این تقید را مفروض دانست زیرا از نظر اسلامی اعمال مسلمان را باید

حمل به صحت کرد .

۵ - عدم حکومت جزایی موثر با رعایت مواد مقرر در قانون مجازات اسلامی (بند ب ماده ۶)

۶- تمکن مالی : بدیهی است کسی که تمکن مالی نداشته باشد نمیتواند هزینه های زندگی طفل یا نوجوان را تامین کند و شایسته ی سرپرستی نیست . در ارتباط با تمکن مالی ، به موجب قانون جدید ((دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر مینماید که درخواست کننده ی سرپرستی ، بخشی از اموال یا حقوق خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند . تشخیص نوع و میزان مال با دادگاه است .

۷ - عدم حجر : واضح است محجوری که خود نیاز به سرپرست دارد ، نمیتواند سرپرستی دیگری را به عهده بگیرد .

۸ - سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عمل برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی

۹ - نداشتن اعتیاد به مواد مخدر ، مواد روانگردان و الکحل

۱۰ - صلاحیت اخلاقی : بی شک کسانی که صلاحیت اخلاقی نداشته باشند نمیتوانند فرزندی شایسته و با اخلاق تربیت کنند .

۱۱ - عدم ابتلا به بیماری های واگیردار و یا صعب العلاج : در قانون ۱۳۵۳ ((بیماری های واگیردار صعب العلاج آمده بود که مناسب تر است ؛ زیرا هر بیماری واگیردار که صعب العلاج نباشد نباید مانع محرومیت از سرپرستی به شمار آید .

۱۲ - اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی : مقصود ادیان رسمی شناخته شده در قانون اساسی است که علاوه بر دین اسلام شامل ادیان مسیحی ، کلیمی ، زرتشتی است . بنابراین پیروان ادیان غیررسمی نمیتوانند از مزایای سرپرستی بهره مند گردند.

شرایط کودک یا نوجوان

شرایط مقرر در قانون جدید : ۱ - امکان شناخت هیچ یک از پدر، مادر و جد پدری آنان وجود نداشته باشد

۲- پدر ، مادر ، جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری آنان در قید

حیات نباشند

۳ - افرادی که سرپرستی آنان به موجب حکم مراجع صلاحیت دار به سازمان بهزیستی سپرده شده و تا زمان دو سال از تاریخ سپردن آنان به سازمان ، پدر ، و مادر و یا جد پدری و وصی منصوب از سوی ولی قهری ، برای سرپرستی آنان مراجعه نکرده باشند

۴ - هیچ یک از پدر، ماد جد پدری آنان و وصی منصوب از سوی ولی قهری ، صلاحیت سرپرستی را نداشته باشد و به تشخیص دادگاه صالح ، این امر حتی با ضم امین یا تعیین ناظر نیز حاصل نشود .

۵ - سن کودک یا نوجوان از ۱۶ سال کمتر باشد . برابر ماده ی ۹ قانون ۱۳۹۲ ((کلیه ی کودکان نابالغ و نیز افراد بالغ زیر شانزده سال که به تشخیص دادگاه عدم رشد یا نیاز آنان به سرپرستی احراز شود و واجد شرایط مذکور در ماده ۸ این قانون باشند مشمول مفاد این قاعده میگردند .

فسخ حکم سرپرستی:

سرپرستی ، برخلاف قرابت نسبی ، یک رابطه ی زوال ناپذیر و غیر قابل فسخ نیست و مواردی برای حکم سرپرستی ، پیش بینی شده که مبنای آن مصلحت طفل یا نوجوان و خانواده ی پذیرنده یا خانواده ی اصلی طفل یا نوجوان پذیرفته شده است. حکم سرپرستی پس از اخذ نظر کارشناسی سازمان بهزیستی در موارد زیر فسخ میشود:

الف - هر یک از شرایط مقرر در ماده ۶ این قانون منتفی گردد .

ب - تقاضای سرپرست منحصر یا سرپرستان ، در صورتی که سوء رفتار کودک یا نوجوان برای هر یک از آنان غیرقابل تحمل باشد .

ج - طفل پس از رشد با سرپرست منحصر یا سرپرستان توافق کند . قابل ذکر است که رشد بر طبق قواعد عمومی با رسیدن شخص به سن ۱۸ سال تمام شمسی حاصل میشود ، مگر اینکه دادگاه ، قبل از رسیدن به این سن و پس از بلوغ ، رشد نوجوان را احراز کند.

د - مشخص شدن پدر یا مادر یا جد پدری

کودک یا نوجوان و یا وصی منصوب از سوی ولی قهری ، در صورتی که صلاحیت لازم برای سرپرستی را ولو با ضم امین یا ناظر از سوی دادگاه دارا باشد.

آثار سرپرستی

حقوق و تکالیف : سرپرستی که به موجب قانون و با حکم دادگاه برقرار میشود ، آثاری به بار می آورد ، یعنی حقوق و تعهداتی برای طرفین ایجاد میکند که تا حدی مشابه حقوق و تکالیف پدر و مادر نسبی و اولاد هست . ماده ۱۷ قانون جدید که مشابه ماده ۱۱ قانون پیشین است مقرر میدارد: ((تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری ، تربیت و نفقه ، با رعایت تبصره ماده ی ۱۵ و احترام ، نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است . کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست ، احترامات متناسب با شأن وی را رعایت کند .))

۱ - نگهداری و تربیت : نگهداری و تربیت طفل بر عهده ی سرپرست یا سرپرستان است . همان طور پدر و مادر مکلف به نگهداری و تربیت طفل خود هستند ، سرپرست یا سرپرستان نیز همین تکلیف را بر عهده دارند . به نظر میرسد مقصود از نگهداری همان نگهداری و حضانت مقرر در قانون مدنی است که احکام آن در مورد طفل یا نوجوان تحت سرپرستی هم اصولا قابل اعمال است . بنابراین برابر ماده ی ۲۰ قانون جدید ، ((در صورت فوت یا زندگی مستقل و جدایی هریک از سرپرستان یا وقوع طلاق بین آن ها ، دادگاه میتواند با درخواست سازمان و با رعایت مفاد این قانون ، سرپرستی کودک یا نوجوان را به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار نماید . رعایت نظر کودکان بالغ در این خصوص ضروری است .

۲ - نفقه : نفقه ی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی ، چنان که گفته شد بر عهده ی سرپرست یا سرپرستان است . قانون جدید مانند قانون پیشین به این قاعده تصریح کرده است . به نظر میرسد که این نفقه اصولا تابع احکام نفقه ی اقارب (والدین و اولاد) است . مگر در مواردی که

۶ - برخورداری از مستمری وظیفه : برابر ماده ۱۹ قانون جدید در صورت فوت سرپرست منحصر یا سرپرستان که مشمول یکی از صندوق های بازنشستگی بوده اند افراد تحت سرپرستی در حکم افراد تحت تکفل متوفی محسوب گردیده و تا تعیین سرپرست جدید از مزایای مستمری وظیفه ی بازماندگان برخوردار خواهند شد .

۷ - مزایای حق اولاد و مرخصی دوران مراقبت : شخصی که سرپرستی افراد تحت حمایت این قانون را به عهده میگیرد (در صورتی که مشمول قوانین استخدامی یا قانون کار و قانون اجتماعی باشد) از مزایای حمایتی حق اولاد و مرخصی دوران مراقبت برای کودکان زیر سه سال (معادل مرخصی دوره ی زایمان) بهره مند میشود .

۸ - احترام : تنها تکلیفی که به صراحت برای فرزند خوانده مقرر شده است ، احترام به سرپرست یا سرپرستان است ماده ۱۷ قانون جدید مقرر میدارد : ((کودک یا نوجوان تحت سرپرستی نیز مکلف است نسبت به سرپرست احترامات مناسب با شأن وی را رعایت کند)) احترامات مناسب با شأن سرپرست عرفی است و فرزند تحت سرپرستی وظیفه دارد به پدرخوانده و مادرخوانده خود در حدود متعارف احترام کند.

۹ - منع نکاح و تجویز آن به حکم دادگاه: در قانون پیشین اشاره ای به منع نکاح سرپرست با طفل تحت سرپرستی نشده بود و شک نیست که در عرف این نکاح مذموم و شاید بی سابقه بود . در لایحه ی اولیه ی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست نیز این ازدواج ممنوع اعلام شده بود و در متن نخست مصوب مجلس شورای اسلامی هم مقرر گردیده بود که : ((ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن فی مابین سرپرست و طفل ممنوع میباشد))

منبع : مختصر حقوق خانواده(دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسد الله امامی) (فریناز سادات خطیبی)



تحت سرپرستی از کشور ، منوط به موافقت سرپرست منحصر یا سرپرستان و دادستان است . دادستان پس از جلب نظر کارشناسی سازمان بهزیستی با رعایت مصلحت فرد تحت سرپرستی اتخاذ تصمیم می نماید .

۵ - نام خانوادگی کودک یا نوجوان : ((پس از صدور حکم قطعی سرپرستی مفاد حکم از سوی دادگاه به اداره ی ثبت احوال و اداره ی بهزیستی مربوط ابلاغ می شود . اداره ی ثبت احوال مکلف است نام و نام خانوادگی کودک یا نوجوان تحت سرپرستی و هم چنین مفاد حکم سرپرستی را در اسناد سجلی و شناسنامه ی سرپرست یا زوجین سرپرست وارد کند.

مقررات نفقه ی اقارب در این جا با توجه به ماهیت سرپرستی و روح و اهداف قانون قابل اعمال نباشد .

۳ - اداره ی اموال : در حالی که قانون پیشین ، اداره ی اموال طفل را به عهده ی سرپرست گذارده بود مگر اینکه دادگاه تصمیم گیری در این خصوص اتخاذ می کرد قانون جدید در صورتی اداره ی اموال صغیر را به سرپرست یا سرپرستان واگذار میکند که طفل فاقد ولی قهری باشد یا ولی قهری وی برای اداره اموال او شخصی را تعیین نکرده باشد و دادگاه قیمومیت طفل را بر عهده ی سرپرست قرار داده باشد .

۴ - صدور گذرنامه و خروج از کشور : صدور گذرنامه و خروج کودک یا نوجوان



نفقه زن

برابرماده ی ۱۱۰۶ قانون مدنی ((درعقد دائم نفقه زن به عهده ی شوهر است)). این مزیتی است که قانون گذار ایران برای زن قائل شده است و به موجب آن زن میتواند از شوهر مطالبه نفقه کند و در صورت لزوم از طریق مدنی و کیفری او را برای پرداخت نفقه تحت تعقیب قرار دهد. فلسفه این قاعده آن است که در اکثر خانواده های ایرانی زنان مال و درآمد کافی برای تعیین مخارج خود و شرکت در هزینه خانواده ندارند. وانگهی اداره ی خانه و امور داخلی خانواده که وظیفه ای بس بزرگ است به عهده ی آنهاست و زنان به کار اقتصادی دیگری که منبع درآمدی برای آنان باشد اشتغال نمی ورزند. البته، چنان که در پیش گفتیم، زن در

صورتی حق نفقه خواهد داشت که از مرد تمکین کند و به تعبیر دیگر، وظایف زناشویی را انجام دهد: نشوز زن مانع از استحقاق نفقه است.

مفهوم نفقه زن:

ماده ۱۱۰۷ پیشین قانون مدنی در تعریف نفقه ی زوجه مقرر می داشت ((نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه ی مرض یا نقصان (اعضاء)). چنان که ملاحظه میشود، ماده ی مذکور فقط مسکن و پوشاک و خوراک و

اثاث خانه و خدمتگذار را ذکر کرده و از سایر چیز هایی که عرفاً مورد احتیاج زن است، مانند هزینه ی دارو و درمان و آرایش و شستشو، سخنی نگفته بود. ظاهر قانون حاکی از این بود که این گونه هزینه ها، چنان که گروهی از فقهای امامیه گفته اند، جزو نفقه نیست. و هر چیزی که بر حسب متعارف مورد احتیاج زن باشد، جزو نفقه است و مرد باید آن را برای زن فراهم کند.

ماهیت حق زن بر نفقه:

مقصود از ماهیت یا طبیعت حق زن بر نفقه آن است که ببینیم آیا زن آنچه را که شوهر به عنوان نفقه به او میدهد مالک

میشود یا فقط اذن در انتفاع به زن داده میشود و او میتواند از آن استفاده کند . اگر زن مالک چیزی باشد که او دریافت کرده میتواند در آن تصرفات مالکانه انجام دهد، چنان که آن را بفروشد یا ببخشد، ولی اگر اذن در انتفاع به او داده شده باشد ، بدون اجازه ی صاحب مال حق این گونه تصرفات را نخواهد داشت. برای تشخیص طبیعت حق زن بر نفقه باید بر اداره شوهر و عرف و عادت که مفسر اراده است رجوع کرد؛ و نیز فقه اسلامی که چه بسا منطبق بر عرف و عادت است میتواند ما را در این خصوص یاری دهد . برای تشخیص طبیعت حق زن برای نفقه باید بین اموال مصرف شدنی که با انتفاع از آنها عین نابود میشود و اموال دیگر فرق گذاشت . در مورد اموال مصرف شدنی مانند خوراکی ها ، آشامیدنیها ، عطرو صابون، با توجه به اراده شوهر و عرف و عادت و عقیده ی فقهای امامیه ، میتوان زن را مالک آنها تلقی کرد. اما اموال دسته دوم یعنی اموالی که با انتفاع از آنها عین نابود نمیشود ، مانند مسکن، اثاثیه خانه، لباس، کفش و غیر آن ، همه ی این اموال از نظر عرف و عادت و اراده شوهر یکسان نیستند . این اموال به مالکیت زن در نمی آید. از این رو شوهر هر لحظه میتواند آنها را بفروشد یا به اموال دیگری تبدیل کند.

ویژگی نفقه زن:

۱- نفقه ی زن مقدم بر نفقه ی اقارب است (ماده ۱۲۰۳) : اگر کسی توانایی مالی نداشته باشد که هم به زن و هم به خویشاوندان نسبی خود نفقه دهد، زن بر دیگران مقدم خواهد بود .

۲- زن میتواند نفقه گذشته خود را مطالبه کند و برای وصول آن در دادگاه اقامه دعوی نماید، در حالی که ((اقارب فقط نسبت به آتیه می توانند مطالبه ی نفقه نمایند)) (ماده ی ۱۲۰۶) .

۳- نفقه ی زن مشروط بر فقر او یا تمکن مرد نیست: زن، اگر چه ثروتمند باشد، می تواند از شوهر نفقه بخواهد. در صورت خودداری شوهر از دادن نفقه و عدم امکان الزام او به انفاق، قانون به زن حق میدهد که از دادگاه تقاضای طلاق

نماید (ماده ی ۱۱۲۹ ق.م).

۴- نفقه ی زوجه تکلیف یک جانبه است و در حقوق ایران زن مکلف به دادن نفقه به شوهر خود نیست ، در حالی که نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است .

۵- طلب زن بابت نفقه طلب ممتاز است و در صورت ورشکستگی یا فوت شوهر و عدم کفایت اموال او برای پرداخت دیون ، بر سایر بدهی ها مقدم خواهد شد. لیکن نفقه اقارب دارای این خصوصیت نیست.

نفقه ی زن پس از انحلال ازدواج:

نفقه ی مطلقه ی رجعیه: طبق بند اول ماده ی ۱۱۰۹ ق.م . ((نفقه ی مطلقه ی رجعیه در زمان عده بر عهده ی شوهر است ، مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد.....)). دلیل استحقاق نفقه در این مورد آن است که پس از طلاق رجعی رابطه ی زوجیت کاملاً قطع نمیشود و در ایام عده آثار نکاح تا حدی باقی می ماند و زن در حکم زوجه تلقی میگردد.

نفقه ی زن آبستن در عده ی فسخ نکاح یا طلاق بائن:

برابر بند دوم ماده ی ۱۱۰۹ ق.م ((..... اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت)). شک نیست که زن باید از شوهر خود آبستن باشد ، تا بتواند از او مطالبه ی نفقه کند ، چنان که بند آخر ماده ی ۱۱۰۹ تصریح کرده است . در این مورد میتوان گفت قانون گذار برای رعایت حال بچه ، زن را مستحق نفقه شناخته ، هر چند که رابطه ی نکاح کاملاً منحل شده است.

نفقه ی زن آبستن در عده وفات:

ماده ی ۱۱۱۰ پیشین قانون مدنی مقرر داشته بود: ((در عده ی وفات زن حق نفقه ندارد)). با توجه به اطلاق این مده و قول مشهور فقهای امامیه که ظاهراً مبنای ماده ی مذکور است ، باید گفت

زن آبستنی که در عده ی وفات است استحقاق نفقه نخواهد داشت . لیکن شاید قبول این نظر دور از انصاف باشد. ممکن است گفته شود زن آبستنی که در عده ی وفات است از شوهر ارث میبرد و از سهم الارث خود می تواند مخارج خویش را تامین کند . ولی ممکن است چیزی زائد بر دیون شوهر باقی نماند ، یا آنچه از ترکه ی متوفی پس از کسر دیون و وصایا به زن میرسد ناچیز باشد و کفاف مخارج او را ندهد . از این رو با توجه به عدالت قضایی و انصاف و ملاک ماده ی ۱۱۰۹ قانون مدنی ، بعضی از استادان حقوق گفته اند : ماده ی ۱۱۱۰ ناظر به زن غیر آبستن است و زن آبستنی که در عده ی وفات است ، تا وضع حمل ، استحقاق نفقه از ترکه ی شوهر را دارد .

ضمانت اجرای نفقه ی زن:

ضمانت اجرای مدنی نفقه در مواد ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ قانون مدنی مقرر شده است . طبق ماده ی ۱۱۱۱ ((زن میتواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند ؛ در این صورت میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.)) و هر گاه اجرای حکم دادگاه و الزام شوهر به دادن نفقه به علت سرسختی او و عدم دسترسی به اموالش یا به علت عجز شوهر از انفاق ممکن نباشد، زن حق طلاق خواهد داشت (مواد ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ ق.م) بنابراین ضمانت اجرای مدنی نفقه یکی الزام شوهر به انفاق از طریق قضائی و دیگر طلاق در صورت عدم امکان الزام به تأدیه ی نفقه است . دادگاه هنگامی شوهر را به دادن نفقه ملزم خواهد کرد که رابطه ی زوجیت محرز باشد و شوهر نتواند امتناع زن از ادای وظایف زناشویی را ثابت کند(ماده ی ۱۱۰۸ ق.م)

منبع : مختصر حقوق خانواده (دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی) (مریم خدایی)



ماهیت حقوقی تهاتر

تهاتر در لغت به معنای تبادل کالا، پا یا پای، هم‌دیگر را تکذیب کردن، مساوات و برابر شدن می‌باشد. در اصطلاح فقه و حقوق نیز عبارت است از سقوط تعهد به سبب بدهکار بودن طرفین معامله به هم‌دیگر.

قانون مدنی، تهاتر را یکی از اسباب سقوط تعهدات به شمار آورده است که به موجب آن دو تعهد متقابل که هر یک از طرفین یکی طلبکار و دیگری بدهکار است، ساقط می‌شوند.

در تهاتر موضوع دو تعهد وجه نقد یا اشیاء مثلی (مانند گندم) و هم‌جنس به مقدار متساوی است که به موجب قرارداد (تهاتر قراردادی) یا قانون (تهاتر قانونی) یا حکم دادگاه (تهاتر قضائی) ساقط می‌شوند. در فقه از تهاتر به مقاصه یا تقاص تعبیر شده است

مبنای تهاتر

اصلی‌ترین مبنای تهاتر، خرد و عقل انسانی است که هرگاه دو دین با هم‌دیگر بودند، تحت شرائطی ساقط شوند، بدون این‌که هر کدام پرداخت گردد. مثلاً اگر کسی مبلغی به دیگری بدهکار باشد و از طرفی همان مقدار از او طلبکار باشد، این دو دین تحت شرائطی که خواهد آمد، ساقط می‌شوند بدون این‌که نیاز به پرداخت باشد. در حقیقت تهاتر یک نوع

ایفای تعهد است.

تهاتر را قانون در بند پنج ماده ۲۶۴ به عنوان وسیله سقوط تعهدات ذکر کرده است.

تهاتر برای جلوگیری از تکرار تادیه و ایفاء تعهد است. برای وقوع تهاتر شرایط زیر ضروری است:

(الف) موضوع دین باید کلی باشد.

(ب) دو دین از یک جنس باشد.

(ج) زمان و مکان تادیه یکی باشد.

در حقوق برای تهاتر سه قسم ذکر می‌کنند:

تهاتر قهری:

منظور از تهاتر قهری یا قانونی، این است که به حکم قانون است و اراده طرفین در آن دخالت ندارد همان‌طوری که ماده ۲۹۵ قانون مدنی، می‌گوید: تهاتر قهری است و بدون اینکه طرفین تراضی نمایند، حاصل می‌شود.

منظور از تهاتر قهری یا قانونی، این است که به حکم قانون است و اراده طرفین در

آن دخالت ندارد همان‌طوری که ماده ۲۹۵ قانون مدنی، می‌گوید: تهاتر قهری است و بدون اینکه طرفین تراضی نمایند، حاصل می‌شود

تهاتر قراردادی:

در صورتی که هر دو دین شرایط تهاتر قهری را نداشته باشند، در این صورت طرفین می‌توانند با توافق تهاتر نمایند. مثلاً هر دو دین از یک جنس نباشند یا از جهت زمان و مکان تفاوت داشته باشند، با هم به طور قهری تهاتر نمی‌شوند.

تهاتر قضایی: تهاتری که حصول آن با رأی قضائی امکان دارد و اثبات می‌گردد. در مواردی که در اصل دین یا میزان آن و یا در وجود شرائط حصول تهاتر اختلاف باشد، دادگاه پس از احراز شرائط، تهاتر را اعلام می‌نماید.

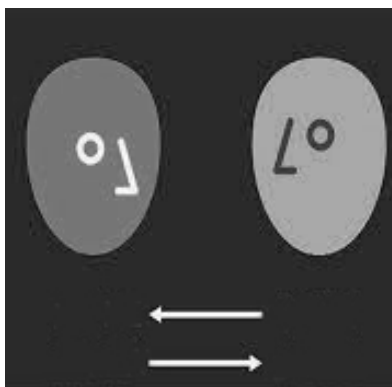
شرایط وقوع و تحقق تهاتر قهری

در اغلب کشورها مثل فرانسه مطابق ماده

۱۲۹۱ ق.م، مسلم و معین بودن ۲ دین شرط ضروری برای تحقق تهاتر قهری ذکر شده است. منظور از مسلم نبودن، یعنی مورد اعتراض جدی مدیون باشد. اگر چه طرح دعوا در دادگاه برای متنازع‌فیه تلقی شدن ضرورت ندارد. بلکه همین مقدار که مورد اعتراض باشد حتی در خارج از دادگاه کفایت می‌کند و برخی حتی معلوم بودن مقدار ۲ دین را شرط وقوع تهاتر دانسته‌اند. در حقوق انگلیس نیز چنین است، ولی در حقوق آلمان و سوئیس این ۲ شرط لازم نیست. لذا در مورد دیونی که مورد منازعه هستند نیز تهاتر واقع می‌شود، زیرا در قوانین این دو کشور بر جنبه تضمینی تهاتر بیش از جنبه وفای به عهد بودن آن تکیه شده است. در حقوق ایران برخی محقق و ثابت بودن دین را از جمله شرایط تهاتر قهری ذکر کرده‌اند و اقتباس می‌بشد سقوط تعهدات و از جمله تهاتر از حقوق فرانسه موجب تحمیل این تفسیر شده است. ولی پاسخ نهایی این است که از جمله شرایط تهاتر قهری نیست و دلیلی بر شرطیت آن نیز وجود ندارد. زیرا قانونگذار در مقام بیان شرایط تهاتر قهری بوده و به قانون فرانسه در این قسمت نظر داشته و آن را ذکر نکرده است. پس با تفکیک ۲ مرحله ثبوت و اثبات می‌توان استدلال موجهی کرد که مسلم و معین و معلوم بودن مقدار ۲ دین مربوط به مرحله اثبات است و حال آنکه شرایط مذکور در قانون مدنی مربوط به مرحله ثبوت است. پس وجود واقعی دو دین را می‌توان از شرایط وقوع تهاتر قهری دانست، اما مسلم بودن دین و همین طور معلوم بودن مقدار دین از شرایط وقوع تهاتر قهری نیست.

آیا میتوان دخالت اراده طرفین و به عبارتی لزوم استناد به تهاتر را به عنوان شرایطی از شرایط تهاتر دانست؟

بهتر است اینگونه استدلال کنیم که قهری و خود به خود بودن تهاتر با ضرورت و لزوم استناد به آن در مراجع قضایی هیچ گونه تعارضی ندارد. به این معنی که تحقق و وقوع تهاتر مقید به استناد به آن نیست تا با قهری بودن آن منافات داشته باشد. زیرا که دادرسی تنها در این مورد بلکه در سایر امور



مدنی نیز از تحصیل دلیل منع شده است، چرا که او را از حالت بی طرفی و از خط مستقیم عدالت خارج می‌سازد. مگر اینکه اینگونه استدلال کنیم که علم قاضی از طرف اثبات دعوی و یا جزء ادله اثبات دعوی است. همین طور است قانون مدنی مصر که مقرر داشته است، قاضی نمیتواند از جانب خود حکم به تهاتر نماید، بلکه ضرورتاً مدیون باید به آن استناد کند. با توجه به قاعده فقهی «الجمع مهما ممکن اولی من الطرح» به نظر میرسد بهتر باشد که میان مواد قانون مدنی یعنی ماده ۲۹۵ و مواد ق. آ. د. م مثل ماده ۱۴۲ که تهاتر را نوعی دفاع میداند و ماده ۱۹۹ ق. آ. د. م و ماده ۳۵۸ ق. آ. د. م قدیم جمع کنیم و اذعان داریم که با تفکیک ۲ مرحله ثبوت و اثبات میتوان بسیاری از مشکلات را حل کرد و بگوییم تهاتر شروط ماهوی و درونی دارد و همین طور شروط بیرونی و شکلی یا به عبارتی شرط متاخر که مربوط به مرحله اثبات است و آن لزوم استناد به تهاتر است و به همین جهت استناد کننده باید اختیار تصرف داشته باشد و شروط ماهوی و سازنده مربوط به مرحله ثبوت همان اتحاد جنس و مکان و زمان و از همه مهمتر تقابل دو دین است. آیا اثر تهاتر منحصر به رابطه طرفین است یا نه، میتواند نسبت به شخص ثالث نیز موثر افتد؟

در حقوق فرانسه مطابق ماده ۱۲۹۱ ق.م، مسلم و معین بودن ۲ دین شرط ضروری برای تحقق تهاتر قهری ذکر شده است. منظور از مسلم نبودن، یعنی مورد اعتراض جدی مدیون باشد. اگر چه طرح دعوا در دادگاه برای متنازع‌فیه تلقی شدن ضرورت ندارد. بلکه همین مقدار که مورد اعتراض باشد حتی در خارج از دادگاه کفایت می‌کند و برخی حتی معلوم بودن مقدار ۲ دین را شرط وقوع تهاتر دانسته‌اند

اثر تهاتر با بررسی در میان کتب حقوقی به طرفین محدود نمیشود. شاید بتوان گفت اثر آن در رابطه طرفین بری شدن ذمه هر کدام است، چون تهاتر در حکم پرداخت است (در حکم وفای به عهد است) و در این رابطه اگر تضمینات و وثایقی وجود داشته باشد به محض تهاتر آنها نیز آزاد میشود. پس آثار تهاتر در رابطه طرفین را میتوان اینگونه خلاصه کرد:

۱- سقوط دو دین که اثر اجرای دو تعهد توسط طرفین است با استناد به تهاتر.

۲- زوال تضمینات و وثایق؛ چون بقای آنها سالبه به انتفاع موضوع است، چنانکه از روح ماده ۲۹۳ در رابطه با تبدیل تعهد بر می‌آید.

۳- قطع جریان مرور زمان و بهره و خسارت تاخیر تادیه.

در بیان آثار تهاتر نسبت به اشخاص ثالث میتوان گفت که تهاتر نمیتواند به ضرر شخص ثالث صورت بندد.

در این موارد تهاتر به نفع شخص ثالث تمام میشود:

۱- در ضمان تضامنی تهاتر باعث برائت ذمه ضامن میشود، پس او به عنوان شخص ثالث از این تهاتر منتفع میشود.

۲- با حصول تهاتر اگر مالی از شخص ثالث به عنوان وثیقه قرار گرفته باشد، آزاد میشود.

۳- اگر شخصی کفیل مدیون باشد با تهاتر بین مدیون و دائن ذمه کفیل از تعهدی که به عهده گرفته بود بری



مفهوم و ماهیت حضانت

تعریف: کلمه ی حضانت (به فتح و کسر حاء) در لغت به معنای نگاهداری است. معنی اصطلاحی آن نیز از معنی لغوی دور نیفتاده است. قانون مدنی این کلمه را تعریف نکرده ، لیکن بعضی از فقهای امامیه در تعریف آن چنین گفته اند : ((حضانت عبارتست از ولایت و سلطنت بر ترتیب و متعلقات آن از قبیل نگاهداری کودک ، گذاردن او در بستر ، سرمه کشیدن، پاکیزه کردن ، شستن جامه های او و مانند آن)). به تعبیر دیگر میتوان گفت :حضانت نگاهداشتن طفل ، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط او با خارج است ، با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است . بنابراین حضانت بیشتر ناظر به حمایت جسمی از کودک است ، هر چند که حمایت روحی و اخلاقی طفل نیز در این نهاد حقوقی ، هم در حقوق اسلام و هم در حقوق جدید ایران ، منظور بوده است . بدن جهت در حقوق اسلام گفته اند : شخصی که حضانت طفل به او واگذار میشود باید آزاد ، مسلمان (در صورتی که طفل مسلمان باشد) و امین باشد .

آنست که حضانت برای مادر حق قابل اسقاط و برای پدر تکلیف است . دسته ای دیگر از فقهای امامیه معتقدند که حضانت هم حق و هم تکلیف است ؛ بنابراین دارنده ی حضانت نمیتواند آن را اسقاط ، یا منتقل کند ، یا عوض در طلاق خلع قرار دهد ، و مادری که عهده دار حضانت است ، چون وظیفه ی خود را انجام میدهد ، نمی تواند در مقابل آن اجرت مطالبه کند . قانون مدنیظاهراً نظریه ی سوم را پذیرفته است ، زیرا ماده ی ۱۱۶۸ مقرر میدارد : ((نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است)) و ماده ی ۱۱۷۲ میگوید : ((هیچ یک از ابوبین حق ندارند

بنابراین ، برای انتقال طفل تحت حضانت به شهر دیگر یا به خارج کشور رضایت والدین لازم است. معهداً هرگاه بین ابوبین در این زمینه توافق حاصل نشود و ضرورت ، انتقال مزبور را ایجاب کند ، این امر با کسب اجازه از دادگاه ممکن خواهد بود . شک نیست که تشخیص ضرورت در این باره با دادگاه است .

حضانت حق و تکلیف است :

بعضی از فقها برآنند که حضانت یک حق فردی محض و ساده است و از این رو قابل اسقاط و انتقال میباشد .

تکلیف مقرر در تبصره ی ۱ ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ :

قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ تکلیف جدیدی برای کسی که حضانت طفل به او واگذار شده به شرح زیر مقرر داشته است: ((پدر یا مادر یا کسانی که حضانت طفل به آنها واگذار شده نمی توانند طفل را به شهرستانی غیر از محل اقامت مقرر بین طرفین و یا غیر از محل اقامت قبل ز وقوع طلاق و یا به خارج از کشور بدون رضایت والدین بفرستند، مگر در صورت ضرورت، با کسب اجازه از دادگاه)) (تبصره ی ۱ ماده ی ۱۴)

در مدتی که حضانت طفل به عهده ی آنهاست ، از نگهداری او امتناع کنند . در صورت امتناع یکی از ابویین حاکم باید به تقاضای دیگری یا به تقاضای قیم یا یکی از اقرباء و یا به تقاضای مدعی العموم نگهداری طفل را به هر یک از ابویین که حضانت به عهده ی اوست الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا موثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هر گاه پدر فوت شده باشد به خرج مادر تأمین کند .))

سلب حضانت از دارنده ی اولویت :

در قانون مدنی ، بر اساس فقه امامیه و باتوجه به مصلحت طفل ، امکان سلب حضانت از کسی که اصولاً باید دارای اولویت باشد پیش بینی شده است . ماده ی ۱۱۷۳ پیشین قانون مدنی در این باره مقرر میداشت : ((هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد ، محکمه میتواند با تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم یا مدعی العموم هر تصمیمی را که حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند)) . این قاعده در ماده ی ۱۱۷۳ اصلاحی که در ذیل نقل می شود نیز آمده است . بنابراین دادگاه میتواند ، با شرایط مذکور در ماده ی فوق ، حضانت را از پدر یا مادر که حق تقدم دارد گرفته ، به دیگری یا به شخص ثالث واگذار نماید .

شوهر کردن مادر :

هر گاه مادری که حضانت طفل با اوست با دیگری شوهر کند ، برابر ماده ی ۱۱۷۰ ق.م نگاهداری طفل به پدر واگذار می شود ، چه اغلب در اینگونه موارد ، مادر نمی تواند وظیفه ی نگهداری طفل را ، چنانکه باید ، انجام دهد و جمع بین وظایف ناشی از حضانت و تکالیفی که ازدواج بر دوش او میگذارد دشوار است . معهذاً اگر دادگاه تشخیص دهد، مادر باینکه شوهر دیگری اختیار کرده ، برای نگاهداری طفل مناسب تر از پدر است ، حضانت را باتوجه به مصلحت طفل به مادر خواهد داد (مستنبط از مواد ۱۲ و ۱۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ و مواد

۴۱ و ۴۵ قانون جدید حمایت خانواده) .

شرایط حضانت در حقوق امروز :

۱- بلوغ : بدیهی است که شخص نابالغ که خود نیاز به نگهداری دارد نمی تواند عهده دار حضانت شود .

۲- عقل : کسی که نگهداری طفل به او واگذار شده است باید عاقل باشد . قانون گذار فقط در مورد مادر این شرط را ذکر کرده (ماده ۱۱۷۰) ولی بدیهی است که هیچ گاه نمیتوان حضانت را به دیوانه واگذار کرد و از این لحاظ فرقی بین مادر و غیر او نیست .

۳- توانایی عملی : در مورد این شرط نص صریحی در قانون دیده نمیشود ؛ لیکن بدیهی است که نمیتوان حضانت را به کسی که توانایی انجام آن را ندارد محمول نمود . این نکته را از ماده ی ۱۱۷۳ قانون مدنی نیز میتوان استنباط کرد، چه به موجب این ماده ، اگر در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی کسی که حضانت با اوست صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل به خطر بیافتد ، دادگاه می تواند حضانت را به دیگری واگذار کند .

۴- شایستگی اخلاقی : درباره ی این شرط نیز قانونگذار به صراحت سخن نگفته ، لیکن میتوان لزوم آن را از ماده ی ۱۱۷۳ استنتاج کرد . در حقوق اسلامی نیز گروهی با شرط عدالت یا امانت به لزوم شایستگی اخلاقی اشاره کرده اند .

۵- عدم ازدواج مادر باشخص دیگر : برابر ماده ی ۱۱۷۰ قانون مدنی که مبتنی بر فقه امامیه است ، مادر تا زمانی دارای حق حضانت است که شوهر دیگر اختیار نکرده باشد .

مدت حضانت :

ماده ی ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی : ماده ی ۱۱۶۹ اصلاحی قانون مدنی مصوب ۱۳۸۲ : ((برای حضانت و نگهداری طفلی که ابویین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند ، مادر تا سن ۷ سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است .

تبصره - بعد از ۷ سالگی ، در صورت حدوث اختلاف ، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص

دادگاه میباشد .)) با توجه به ماده ی مذکور و ماده ی ۱۱۶۸ همین قانون مسلم است که حضانت طفل ، حق و تکلیف ابویین در برابر فرزند برای مدتی است که به وی ، طفل اطلاق میشود .

اجرت حضانت :

ماده ی ۱۱۶۸ قانون مدنی : از ماده ی ۱۱۶۸ قانون مدنی که میگوید : ((نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است .)) چنین استنباط میگردد که پدر یا مادر در نگاهداری و حضانت طفل به تکلیف قانونی خود عمل میکنند و برای انجام این وظیفه قانونی حق مطالبه ی اجرت ندارد و ماده ی مزبور ظاهر در آن است که تکلیف حضانت تبرعی و مجانی است . قسمت اول ماده ی ۱۱۷۲ ق.م نیز که میگوید : ((هیچ یک از ابویین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده ی آنهاست از نگاهداری او امتناع کنند ؛ در صورت امتناع یکی از ابویین ، حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقرباء و یا به تقاضای مدعی العموم ، نگاهداری طفل را به هریک از ابویین که حضانت به عهده ی اوست الزام کند.....)) نظریه ی مجانی بودن عمل حضانت را تأیید میکند . عده ای از حقوقدانان معتقدند که اگر حضانت به جد پدری واگذار شود ، چون این شخص ولی قهری طفل به منزله ی پدر است و به موجب قانون و عرف و طبیعت امور مکلف به نگاهداری طفل و اداره ی امور او میباشد ، نمیتواند برای کاری که انجام میدهد ، اجرت مطالبه کند (مستنبط از ماده ی ۱۱۸۸ ق.م) .

منبع : مختصر حقوق خانواده(دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسد الله امامی) (فریناز سادات خطیبی)



اشتغال زنان در ایران

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با افزایش میزان اشتغال زنان و مشارکت‌های اقتصادی آنان، رابطه تنگاتنگ و در هم تنیده دارد و همین‌طور بهبود الگوی معیشتی خانواده، نحوه تنظیم روابط درون خانواده و تربیت فرزندان از جمله مواردی است که ارتباط نزدیک با میزان سواد و تحصیلات و مشارکت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان در بیرون از خانوار دارد.

زنان باید در تصمیم‌گیری، به ویژه در امور مربوط به توزیع کار، منابع، درآمد و هزینه، مشارکت بیشتری پیدا کنند. چنین مشارکتی را باید هم از طریق سازمان‌هایی که خود زنان تشکیل می‌دهند و هم از راه عضویت آنها در سازمان‌های دیگر تشویق کرد.

در تقسیم‌بندی مشاغل، به مشاغل بخش

اقتصادی و اجتماعی و پیچیده‌تر شدن تقسیم کار، امروزه زنان علاوه بر ایفای نقش‌های فوق، پذیرای مسئولیت‌های عمده‌تر نظیر اشتغال در بیرون از خانه می‌باشند.

منظور از اشتغال، حرفه یا کار است که فرد در عوض آن حقوق یا خدمتی دریافت می‌کند.

اشتغال زنان با پیشرفت جوامع، تغییر و تحول پیدا کرده است. ورود ماشین و صنعت بر اشتغال زنان اثر گذاشته و آنان را از مشاغل سنتی به سوی بخش‌های صنعتی سوق داده است.

نیل به تعادل‌های اساسی جغرافیایی، افزایش مشارکت‌های آگاهانه سیاسی و اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، ریشه کن کردن بی‌سوادی و گسترش

امروزه شاغل بودن زنان، یکی از مسائلی است که در اجتماع مطرح است و زنان به علل گوناگون به کار روی می‌آورند و حتی مجبور گشته‌اند علاوه بر مسئولیت‌های خود در خانه و تربیت فرزندان، مسئولیت‌های اجتماعی را نیز پذیرا گردند. در اینجاست که ما با قشری به عنوان «زنان شاغل» روبه‌رو می‌شویم.

افرادی که در دو جبهه مهم یعنی جامعه و خانواده مشغول خدمت و انجام وظیفه می‌باشند.

در گذشته، زن، غالباً نقش مادر و همسر را به عهده داشت و به انجام امور خانه می‌پرداخت. اگر هم در اموری مانند کشاورزی و دامداری و امثال آن شرکت داشت، دامنه چنین مشارکت‌هایی در حدی بسیار محدود و منحصر به تأمین نیازهای خانواده بود اما با تغییر شرایط



قانونی برای کار وجود ندارد. کارگران مزد بسیار ناچیزی می‌گیرند، لذا زنان بسیاری باید به کسب معاش خود بپردازند و آنچه را به اجبار به آنها می‌دهند، دریافت و تحمل کنند.» گشایش جامعه ایران به سوی آورده‌های تمدن جدید، دگرگونی‌های بسیار به بار آورده است که از مهم‌ترین آنها حضور اجتماعی محسوس و دستیابی به بازار اشتغال است.

ورود زنان به بازار کار و صنعت و اشتغال در ایران یک قرن بعد از حضور گسترده زنان غربی بود زیرا ورود فن آوری به ایران با این فاصله صورت گرفت. البته سیر صعودی اشتغال زنان در ایران به کندی و آهسته پیش می‌رفت زیرا شرایط برای تولید انبوه که با ساخت یا ورود فن آوری ارتباط مستقیم دارد، تا مدت‌ها مهیا نبوده و بازار کار ظرفیت جذب نیروی کار زنان بیشتری را نداشت. تحولات کند و آهسته اقتصادی، توأم با ریشه‌های تناور سنتی که همواره در ایران روند ضد اشتغال زنان را طی کرده است، زن را از بازار کار دور نگه داشته‌اند و در مراحلی که زن به طور جدی در بازار کار جلوه‌گر شده و جمعی از مدیران به افزایش حضور او تأکید ورزیده‌اند، ناگهان سدها و موانع سنتی و حقوقی به شکل‌ها و صورت‌های خاص بر سر راهش قرار گرفته و گاهی او را تا قهقرا پس رانده‌اند.

در کشور ما، گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاهها) در طی مدت به نسبت کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت. اما از آنجا که این امر با شتاب زندگی در میان برخی از گروهها مطرح گردید، در عین حال شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشت، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد مواجه گردید و اختلاف عقیده را در میان توده‌های مختلف مردم موجب شد. مردان از زمانی که وارد بازار کار می‌شوند معمولاً تا هنگام بازنشستگی به صورت پیوسته در بازار کار باقی می‌مانند و تحولات زندگی، این حضور پیوسته را مختل نمی‌کند در صورتی که زنان دارای مشارکت ناپیوسته و قطعه‌قطعه هستند و تحت تأثیر تغییرات زندگی مثل وضع تأهل، تعداد فرزندان و غیره، الگوی

کشور می‌باشد و بنابراین گروه کثیری که در امر کشاورزی و صنایع روستایی دست‌اندرکارند را شامل نمی‌شود.)

تاریخچه اشتغال زنان در ایران

در گذشته در ایران نیز، کوشش مریبان بیشتر این بود که دختران را فقط برای زندگی سالم خانوادگی آماده کنند و به کارهای علمی و فکری آنان توجه لازم نمی‌شد، زیرا تصور می‌کردند که زن تنها برای خانه‌داری و تولید مثل و پرورش کودک خلق شده است و حضور اجتماعی او مفید نبوده یا مضر می‌باشد. در دوران قاجار، بریدگی زنان مرفه شهری از اجتماع به درجه‌ای بود که تنها هنگام حمام رفتن، شرکت در جلسات مذهبی یا میهمانی‌های زنان می‌توانستند در کوچه و بازار ظاهر شوند. در میان زنان طبقات محروم و متوسط جامعه، برای تأمین هزینه زندگی و رفع ضروریات، کار در مزارع جالیز و شالی و یا کارگاههای بافندگی و صنایع کوچک دستی الزامی بوده است.

«کلارا رایس» در کتاب «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنها» می‌گوید: «ضمن کارهای مربوط به داخل خانه، بافتن و پشم‌ریسی، پختن نان، تهیه لبنیات و غیره به عهده آنان بود. زنان وابسته به طبقات پایین بنا به نوع تولیدات منطقه زیستی خویش در کارگاههای خانوادگی مشغول کار بودند و از این طریق به اقتصاد بی‌جان خانواده کمک می‌کردند.» و همچنین اضافه می‌کند: «هیچ‌گونه

های سنتی و کمتر توسعه یافته و بخش‌های نوین، مشاهده می‌شود که هرگاه مشاغل مربوط به امور آموزشی و درمانی را از قلمرو مقایسه خارج کنیم، اکثریت قریب به اتفاق فرصت‌های شغلی زنان در مشاغل سنتی و غیر متشکل است. آنچه در تحولات اخیر اشتغال زنان، بیش از هر نکته دیگر چشمگیر و قابل توجه می‌باشد، استقبال زنان از افزایش سطح تحصیلی و دسترسی به مشاغل جدید حرفه‌ای و فنی می‌باشد. گرایش زنان و دختران به تحصیلات و تخصص‌های فنی و حرفه‌ای، فرصتی است که می‌تواند با استفاده صحیح از آن نه تنها مشکلات فعلی اشتغال را حل کرد، بلکه در جهت ایجاد تعادل بیشتر اجتماعی و فرهنگی از نظر تساوی حقوق زن و مرد و بهبود روابط خانوادگی، گام‌های بزرگی برداشت. اشتغال زنان در مشاغل فنی و حرفه‌ای و تولیدات صنعتی جدید رو به افزایش است. این امر نشان می‌دهد که زنان به تعدادی از مشاغل که تا زمان‌های گذشته در قلمرو مردان بوده، دسترسی پیدا کرده‌اند.

بر اساس بررسی‌های آماری انجام شده ۸۲/۳۸ درصد زنان شاغل در بخش آموزشی و فرهنگی کار می‌کنند و در بخش‌های خدمات فنی، مهندسی، حرفه‌ای و کشاورزی، کمتر از ۵ درصد اشتغال دارند. به عبارت دیگر، زنان در مشاغل فنی و مهندسی، خدمات فنی و حرفه‌ای و کشاورزی کمتر تمرکز یافته‌اند؛ (البته لازم به ذکر است که این آمار مربوط به مشمولین استخدام رسمی

مشارکت شان تغییر می کند. «گری بکر» می گوید: «اگر یک کارفرما به طور مستقیم یا غیر مستقیم تمایل داشته باشد که به یک کارکن نسبت به کارکن دیگر، بیشتر حقوق پرداخت کند می گوئیم تبعیض وجود دارد.» و این در حالی است که در قانون کار مصوب ۱۳۳۷، ماده ۲۳ و مصوب ۱۳۶۹ ماده ۳۸ عنوان شده «تبعیض در تعیین میزان فرد بر اساس سن، جنس، نژاد، قومیت و اعتقادات سیاسی و مذهبی ممنوع است.» وجود تبعیض در بازار کار، موجب کاهش کارآیی نیروی فعال و ایجاد محدودیت اشتغال زنان و نهایتاً کاهش رشد

باشند و به نرخ های مشارکت درخور توجهی دست پیدا کنند، بایستی فعالیت های کشور توسعه پیدا کند و متناسب با آن سهم زنان از مجموعه فعالیت های صنعتی افزایش یابد. در شرایط قرار گرفتن در مسیر توسعه، هر گاه فقط انتظار ایفای نقش های سنتی از زنان داشته باشیم، تفکر مردود و غیر منطقی خواهیم داشت.

زنان، ارتباط با معلومات آنها دارد و سواد و معلومات زنان هم به میزان زیاد ارتباط به این دارد که آیا آنها مشغول به کاری هستند یا فقط در چارچوب خانه به سر می برند. سطح اشتغال زنان شوهرداری که بچه ندارند حتی از آنهایی که یک بچه هم دارند خیلی بالاتر است

موانع اشتغال زنان

۱- پایین بودن سطح تحصیلات و مهارت زنان.

۲- عوامل اجتماعی و خانوادگی مانند میزان درآمد شوهر (در صورت ازدواج)، تعداد فرزندان، سن بچه ها و سطح فکر افراد خانواده از عوامل مؤثر در اشتغال زنان است. در اشتغال زنان جوان (کمتر از ۲۰ سال) بیش از هر چیز درآمد پدر و مادر آنها مؤثر بوده است و خانواده هایی که توانایی مالی کافی ندارند، غالباً ناچار می شوند که دختران خود را به جای تحصیل، به کار بگمارند. در مورد زنانی که دارای شوهر و فرزند هستند، مسئولیت نگهداری و تربیت بچه ها به زنان محول می شود و آنها دیگر فرصت کار کردن را نخواهند داشت. علاوه بر آن اگر زنی فرصت اشتغال داشته باشد ولی درآمد شوهرش کافی باشد، نگهداری بچه ها و شوهر خود را به کار کردن در خارج از خانه ترجیح می دهد.

۳- بحران های اقتصادی: در شرایط عادی اقتصادی و روند کند توسعه، زنان به عنوان نیروی کار ذخیره بالقوه تلقی می شوند و در شرایط بحران اقتصادی، این محدودیت برای زنان بیش از پیش مطرح خواهد بود زیرا تأمین شرایط کار مساوی (با مردان) برای زنان بسیار مشکل است. در بین این عوامل باید گرایش عمومی کارفرمایان را به ویژه در بخش خصوصی جهت به کارگیری نیروی کار مردان و ارجحیتی که برای آنان قائلند را اضافه کرد.

البته کارفرمایان کوچک که خارج از شمول قانون کار هستند، مشتاق به کارگیری زنان هستند زیرا آنان هم بیشتر و طولانی مدت تر کار می کنند و هم با مزد کمتری قانع می شوند و ...

۴- عادات، رسوم، سنت ها: والدین مخصوصاً در جوامعی نظیر ایران بخصوص در شهرستان ها و روستاها

عوامل مؤثر در نرخ اشتغال زنان

الف - شرایط اجتماعی و فرهنگی: سطح اقتصادی کشور، چگونگی رشد و عوامل ناشی از آن از قبیل شهرنشینی، احتیاج



به کارهای مخصوص زنان و غیره از عوامل مؤثر در اشتغال زایی زنان می باشند.

ب - شرایط ازدواج: نرخ اشتغال زنان مجرد خیلی بیشتر از زنان متأهل است. زنان شوهردار معمولاً خودشان هم رغبت کمتری به کار خارج از خانه نشان می دهند و شرایط زندگی هم فرصت و اجازه چنین اشتغالی را به آنها نمی دهد.

ج - سطح تحصیلات: هر قدر میزان تحصیلات زنان بالاتر رفته، سطح اشتغال آنها نیز بالاتر رفته است. دسترسی داشتن به فرصت های تحصیلی و آموزشی نه تنها وضعیت اشتغال زنان را ارتقا داده، بلکه در زمینه بهداشت، حقوق زناشویی و خانوادگی نیز برای آنان دستاوردهای مثبتی داشته است.

د - تعداد موالید: در اینکه نرخ اشتغال زنان و نرخ موالید با یکدیگر رابطه معکوس دارند، تردیدی نیست ولی باید به این نکته هم توجه کرد که میزان باروری و حاملگی

اقتصادی است. اعتقاد به نابرابری مردان و زنان از نظر قوای بدنی و فکری سبب شده است که درهای بسیاری از مشاغل به روی زنان بسته شود و حتی خود زنان نیز در بسته بودن این بر اساس بررسی های آماری انجام شده ۸۲/۳۸ درصد زنان شاغل در بخش آموزشی و فرهنگی کار می کنند و در بخش های خدمات فنی، مهندسی، حرفه ای و کشاورزی، کمتر از ۵ درصد اشتغال دارند. درها بی تأثیر نیستند.

تغییرات بافت اقتصادی اشتغال زنان در سال های اخیر نشان می دهد که اشتغال زنان کشور توسعه نمی یابد مگر اینکه فعالیت های صنعتی رشد و پیشرفت اقتصادی مناسبی پیدا کند. یعنی اگر در جستجوی این هستیم که زنان سهم و جایگاه مناسبی در تولید کشور داشته

دوست ندارند فرزندان دخترشان بیش از حد مجاز که سنت‌ها در هر منطقه و محله آن را تعیین می‌کنند، از خانه دور شوند، لذا هر چند آمار مدارس در روستاها و شهرستان‌های دورافتاده امیدوارکننده است، در صورتی که در دسترس دختران قرار نگیرد، نمی‌تواند زنان آینده را برای ورود به بازار کار و تحقق مشارکت با مفهوم تخصصی آن آماده سازد.

۵- قوانین ناظر بر خانواده:

زنان بر اساس قوانین ناظر بر خانواده، نمی‌توانند بدون طلب رضایت شوهر، به کار اشتغال ورزند. در قانون ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.»

۶- میزان سواد زنان شاغل:

یکی از علل کاهش میزان اشتغال زنان، عمومیت یافتن سواد و بالا رفتن میزان تحصیلات آنان می‌باشد. ۶۰ درصد زنان شاغل باسوادند که اکثریت در سطح دبیرستان تحصیل کرده‌اند. در حالی که ۵۰ درصد مردان شاغل، باسوادند.

یافته‌های پژوهشی حاکی از این است که نرخ اشتغال زنانی که شوهران‌شان تحصیلات دانشگاهی دارند نسبت به زنانی که شوهران‌شان فاقد تحصیلات دانشگاهی می‌باشند، سه برابر بیشتر است.

بنا بر توضیحات ارائه شده در مورد عوامل مؤثر در اشتغال زنان، همان‌طور که اشاره کردیم شرایط اجتماعی و فرهنگی یک جامعه ایجاب می‌کند گاهی زنان به اشتغال رو بیاورند و با توجه به وضعیت کنونی اقتصادی و اجتماعی جامعه ما، درصد موافقت مردان با اشتغال زنان افزایش یافته و این حاکی از نیاز به فعالیت اقتصادی زن جهت تأمین مخارج خانواده است؛ احتمال دیگری که می‌رود، تغییر دیدگاه مردان و مثبت‌اندیشی بیشتر در آنان در مورد اشتغال زنان می‌باشد.

به طوری که ۷۲ درصد از مردان دارای تحصیلات دانشگاهی و فاقد تحصیلات دانشگاهی با اشتغال همسران خود موافقتند و این در حالی است که فقط ۲۸ درصد مردان هر دو گروه فوق‌الذکر با اشتغال همسران خود مخالف می‌باشند. البته جای این سؤال باقی است که با توجه به اینکه بسیاری از افراد مورد نمونه‌گیری را مردان مجرد (۲۷ نفر) تشکیل می‌دهند،

در مقابل (۲۳ نفر متأهل) هنوز مشخص نیست آیا این مردان هنگام و پس از ازدواج با اشتغال همسر خود موافق باشند یا خیر؟ ۲۲ درصد از مردان معتقدند زن برای کمک به خانواده باید کار کند، ۲۸ درصد اعتقاد دارند که کار باعث نشاط در زندگی زنان می‌شود و ۲۶ درصد اعتقاد دارند که اشتغال زن باعث می‌شود زن وظایف خود را به خوبی انجام ندهد. ۲۴ درصد اعتقاد دارند زن برای استقلال باید کار کند. ۵۲ درصد از مردان مناسب‌ترین شغل برای زن را فعالیت فرهنگی می‌دانند. ۱۸ درصد فعالیت هنری، ۶ درصد فعالیت اداری و ۲۴ درصد خانه‌داری و بچه‌داری را مناسب‌ترین شغل برای زنان می‌دانند.

همچنین ۵۶ درصد از کل مردان اعتقاد دارند که زن وظیفه‌ای در تأمین مخارج ندارد و ۴۴ درصد از کل مردان معتقدند که بهتر است زن همپای مرد در تأمین مخارج بکوشد.

۳۸ درصد از کل مردان اعتقاد دارند که اشتغال زن تأثیر مثبتی به همراه دارد. ۲۵ درصد معتقدند اشتغال زن تا حدودی تأثیر مثبت دارد و ۱۰ درصد معتقدند اشتغال زن هیچ‌گونه تأثیر مثبتی ندارد.

بعد از مقایسه توصیفی پاسخ‌های مردان در مورد اشتغال زنان، اکنون نوبت مقایسه توصیفی پاسخ‌های زنان می‌رسد:

۴۶ درصد شوهران زنان با اشتغال زنان خود موافقتند و این در حالی است که ۵۴ درصد از شوهران آنها با اشتغال زنان خود مخالف می‌باشند.

۱۸ درصد زنان معتقدند زن برای کمک به خانواده باید کار کند، ۱۴ درصد معتقدند کار باعث نشاط در زندگی زنان می‌شود، ۴ درصد معتقدند اشتغال زن باعث می‌شود وظایف خانوادگی خود را به خوبی انجام دهد و ۶۴ درصد زنان معتقدند زن برای استقلال باید کار کند.

۵۶ درصد زنان مناسب‌ترین شغل را برای زنان فعالیت فرهنگی، ۱۶ درصد فعالیت هنری، ۱۰ درصد فعالیت اداری و ۱۸ درصد خانه‌داری و بچه‌داری می‌دانند.

۴۶ درصد از زنان معتقدند زن وظیفه‌ای در تأمین مخارج خانه ندارد، ۵۴ درصد معتقدند زن باید همپای مرد در تأمین مخارج بکوشد.

۶۸ درصد زنان هر دو گروه معتقدند اشتغال زنان تأثیر مثبتی دارد و ۳۰ درصد

این تأثیر را تا حدودی می‌دانند و این در حالی است که فقط ۲ درصد زنان این تأثیر را مثبت ارزیابی نمی‌کنند.

با توجه به تمامی مطالب عنوان شده و نظرسنجی که در مورد اشتغال زنان از مردان و زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و فاقد تحصیلات دانشگاهی به عمل آمد، گویای این است که با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نوع برخورد و دید مردان و زنان در مورد اشتغال زنان تغییر مثبتی را نمایان می‌سازد هر چند در بعضی جوانب تضاد فاحشی بین دیدگاه زنان و مردان وجود دارد؛ مثلاً در حالی که ۲۸ درصد مردان مخالف با اشتغال زنان می‌باشند، زنان در ۵۴ درصد موارد موافق با اشتغالند و این موارد همچنان

اگر در جستجوی این هستیم که زنان سهم و جایگاه مناسبی در تولید کشور داشته باشند و به نرخ‌های مشارکت درخور توجهی دست پیدا کنند، بایستی فعالیت‌های کشور توسعه پیدا کند.

نشان‌دهنده وجود موانع اشتغال زنان می‌باشد. همین‌طور بر اساس نتایج مذکور متوجه می‌شویم زنان در جهت تحول و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی گام‌هایی را برداشته‌اند، اما با این وجود هنوز به خودباوری لازم برای استقلال نرسیده‌اند.

مثلاً ۲ درصد زنان معتقدند اشتغال زنان تأثیری ندارد در حالی که اشتغال زنان از نظر مردان دارای تأثیر مثبت تری می‌باشد. یا زنان معتقدند اشتغال مانع انجام وظایف آنها می‌شود (۴ درصد موارد) در حالی که دیدگاه مردان نسبت به سؤال مذکور مثبت‌تر می‌باشد و با اینکه دیدگاه مردان نسبت به اشتغال زنان مثبت‌تر گشته (۷۲ درصد) هنوز درصد نه‌چندان اندکی از زنان با اشتغال خود مخالفند. (۵۴ درصد)

پیام زن: در جامعه و در شرایطی که نرخ بالای بیکاری دشواری‌های فراوانی را برای جامعه و خانواده‌ها فراهم ساخته، و در حالی که در نظام حقوقی ما که کاملاً نیز درست است، مرد مسئولیت تأمین مخارج زندگی را دارد، طبعاً اولویت با اشتغال مردان و تلاش برای کاهش خیل بیکاران مرد است.

زینب خسروی فر

